

## در سال ۲۰۱۲، چه باید کرد؟

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

سال جدید میلادی آغاز شد. مردم کشورهای مختلف جهان تحویل سال را جشن گرفتند. به این ترتیب، سال ۲۰۱۱ را با همه فراز و نشیب هایش پشت سر گذاشتیم و اکنون با آغاز سال ۲۰۱۲، این سوال را در پیش روی خود داریم که چه باید کرد تا وضع نسبت به سال پیش بهتر شود؟! سال ۲۰۱۲، آبستن تغییرات و تحولات بزرگی است. در چنین موقعیتی، چه باید کرد؟ سنوالی ست که به ویژه در مقاطع تاریخی حساس فعالین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از خود و جامعه می - کنند تا جواب درخور و شایسته ای پیدا کنند.

در سالی که گذشت بحران سرمایه داری جهانی، تعمیق پیدا کرد به حدی که دولت ها در یونان و ایتالیا با فشارهای مردمی تغییر کردند؛ بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده، بدهی ملی آمریکا اکنون بیش از ۱۵ تریلیون است. به معنی ۵۰ هزار دلار به ازای هر شهروند آمریکایی است. هر فرد در منطقه یورو ۲۵ هزار دلار بدهی دولتی بر دوش دارد و در بریتانیا نیز بدهی دولت از ۳۰ هزار دلار به ازای هر نفر پایین تر نیامده است.

جیم راجرز، از بنیان گذاران «صندوق کوانتوم» در ۱۹۷۰ و از مفسران معتبر وقایع جهان، می گوید که باید این وضع را جدی گرفت. او می گوید: «آمریکا بزرگ ترین ملت بدهکار تاریخ جهان است و این بدهی دوان دوان و با سرعت بیش از ۱ تریلیون در سال بزرگ تر هم می شود. اگر طرح های همه کشورهای اروپایی را ببینید هیچ کدام شان یک سال هم از میزان بدهی هایشان نکاسته اند. پس در وضعیتی جدی به سر می بریم که بدتر هم می شود.»

راجرز می گوید: «اصولا دولت ها و بانک های مرکزی مسئولند، مخصوصا در آمریکا. دولت ها فقط به هزینه کردن و بانک های مرکزی تنها به چاپ اسکناس پرداخته اند. دولت بریتانیا، بانک مرکزی بریتانیا و دولت کشورهای مثل یونان که از حساب سازی استفاده کرده اند از دیگر مقصران هستند. اما این فهرست حتی شامل ایتالیا، فرانسه و آلمان نیز می شود، آنان نیز به حساب سازی روی آورده اند.»

وضعیت در قاره های آسیا و آفریقا بدتر است و خشک سالی و قحطی و گرسنگی و بیماری زیست و زندگی بسیاری از انسان را تهدید می کنند.

با وجود این که حکومت های سابق لیبی و مصر در اثر اعتراضات مردمی از حکومت کنار بر کنار شده اند اما حکومت هایی که به قدرت رسیده اند نیز مورد پذیرش مردم این کشورها نیستند. بنابراین، تحولات سیاسی و اجتماعی در این دو کشور، هم چنان ادامه دارد. بر اساس آمار سازمان ملل متحد، از زمان آغاز اعتراض ها در سوریه، از مارس ۲۰۱۱، بیش از ۵ هزار تن که بیش تر غیرنظامی بوده اند، جان خود را در درگیری ها از دست داده اند. اما صدای اعتراضات مردم آزادی خواه خاموش نشده و مردم، با قدرت و جسارت فوق العاده ای برای برکناری حکومت این کشور مبارزه می کنند.

در روزهای آخر سال ۲۰۱۱، دولت آمریکا، نیروهای نظامی خودش را از عراق خارج کرد و پشت سرش کشوری ویران بر جای گذاشت که، هم چنان درگیر جنگ و کشتار، ترور و انتقام جویی است. اما نیروهای نظامی آمریکا و ناتو، هم چنان در افغانستان، مستقر هستند و بحث از برقراری «امنیت»، «ثبات» و دموکراسی در این کشور، جز تزویر و ریاکاری چیز دیگری نیست.

جنبش ضدسرمایه داری «وال استریت را اشغال کنید!» در قلب دموکراسی جهان، یعنی آمریکا راه افتاد و این جنبش، به سرعت به کشورهای اروپایی کشیده شد. بهار عربی، هم چنان ادامه دارد و در ماه های اخیر، در اعتراضات مردم سوریه علیه حکومت بشار اسد، بیش از ۵۰۰۰ نفر از معترضین جان باخته اند. دیکتاتور لیبی، سرهنگ قذافی سقوط کرد اما کسانی که با حمایت ناتو و آمریکا در این کشور نفت خیز به قدرت رسیدند یا همکاران سابق قذافی اند و یا گرایش مخالف او، به ویژه اسلاميون هستند. آن ها، قذافی و یکی از پسرانش را پس از دستگیری به طرز فجیعی کشتند. چند انگشت دست پسر دیگرش را هنگام دستگیری قطع کردند. در بمباران های ناتو نزدیک به ۵۰ هزار نفر از مردم لیبی جان باختند. چندین برابر آن زخمی و معلول و یا در سطح میلیونی آواره شدند. در انتخابات تونس و مصر، گروه های مذهبی دست بالا را گرفتند. مردم لیبی، حکومت جدید را نمی خواهند و تظاهرات هایی علیه آن راه انداخته اند. تحولات و درگیری های مردم با ارتش مصر، هنوز هم ادامه دارد. دیکتاتورهای یمن و کویت بر کنار شدند. نطفه های اعتراضی در عربستان شکل گرفت. در اسرائیل تظاهرات عظیم مردمی علیه سیاست های دولت برگزار شد و...

سالی که گذشت برخی از تولیدات فرهنگی تاریخی، ادبی و هنری بسیاری از نویسندگان و هنرمندان در جهان، با استقبال مردمی قرار گرفتند؛ جوایزی دریافت نمودند و دست کم آثارشان خود را با دغدغه کم تری به دست مردم رساندند.

در حقیقت سالی که گذشت پر از وقایع تلخ و شیرین بود. اما در جامعه ما در سال ۲۰۱۱، هر چند وقایع زیادی روی داده اما از جنبه مطالبات و منافع مردمی مساله حائز اهمیتی دیده نشد. صدها نفر به دلایل سیاسی و اجتماعی در ایران، به چوبه های دار آویخته شدند و یا مخفیانه در زندان ها اعدام شدند. بنا به گزارش نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر، اعدام ها در ایران در سال ۲۰۱۱،

سه برابر شده است. فعالین عرصه های کارگری، زنان، دانش جویی، محیط زیست، حقوق بشر، روزنامه نگاران، نویسندگان و هنرمندان ایرانی در طول سال ۲۰۱۱ تهدید و سرکوب شدند؛ سانسور و اختناق تشدید شده و آثار بسیاری از نویسندگان هم چون سه دهه گذشته، به تیغ تیز سانسور سپرده شد و از انتشار باز ماندند.

حذف سوبسیدهای دولتی، تحریم اقتصادی دو فاکتور مهمی هستند که زیست و زندگی اکثریت مردم ایران، به ویژه مزدبگیران، بی کاران و محرومان را شدیداً پریشان کرده اند. گرانی و تورم و در نتیجه آسیب های اجتماعی چون اعتیاد، تن فروشی، خودکشی، فرار از خانه و غیره نیز افزایش یافته و سرکوب سیستماتیک زنان ادامه دارد. چندین میلیون کودک باز هم از تحصیل و تفریح باز مانده و به صف کودکان کار و رنج و خیابان پیوسته اند. محیط زیست در ایران، فاجعه بار است و بسیاری از تالاب ها و جنگل های کشور نابود شده اند و بزرگ ترین دریاچه نمک، یعنی دریاچه ارومیه در حال مرگ است.

برخی از ناشران و کتاب فروشی ها به دلیل فشارهای اقتصادی، سیاسی و سانسور تعطیل شدند و از چرخه تولید و عرضه فرهنگی خارج گردیدند.

هزاران جوان و فعال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ناگزیر به ترک کشور شدند و هم اکنون با دنیای جدید پناهندگی دست و پنجه نرم می کنند.

حمله نیروهای سرکوبگر بسیج به سفارت بریتانیا در تهران، تحت عنوان «دانش جوان بسیجی» به یک جنگ دیپلماتیک بین ایران و کشورهای غربی تبدیل شد. به ویژه در ماه های آخر سال ۲۰۱۱، بار دیگر احتمال بحث و جدل حمله نظامی به ایران، توسط مقامات آمریکایی و اسرائیلی پیش کشیده شده و در رسانه ها نیز انعکاس وسیعی پیدا کرده است. سران و مقامات حکومت اسلامی نیز مواضع تحریک کننده ای اتخاذ کرده اند.

حکومت اسلامی، در سال گذشته میلادی، هم چنان تلاش کرد تا توازن قوا در منطقه را به نفع خود تغییر دهد و راهی برای خروج از بن بست اتمی خود پیدا کند. از سوی دیگر، حکومت اسلامی در سال ۲۰۱۱، بیش ترین منابع درآمدهای ایران را صرف میلیتاریسم کرده است.

هم چنین در آخرین لحظات سال ۲۰۱۱، باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا روز شنبه با امضای لایحه ای که از سوی کنگره آمریکا تصویب شده بود بخش مالی و بانک مرکزی حکومت اسلامی ایران را مشمول تحریم های جدید آمریکا کرد.

این لایحه، بخشی از طرح دفاعی ۶۶۲ میلیارد دلاری کنگره آمریکاست که اوباما روز شنبه، هنگام گذراندن تعطیلات سال نو میلادی در هاوایی امضاء کرد.

این تحریم ها که صنعت نفت ایران و بانک مرکزی حکومت اسلامی را هدف قرار داده است، شرکت های خارجی را وادار می کند میان همکاری با بخش نفتی، مالی و بانک مرکزی ایران یا بخش مالی آمریکا، یکی را انتخاب کنند. به موجب این قانون، بانک های مرکزی کشورهای دیگر در صورت معامله با بانک مرکزی ایران در ارتباط با انتقال درآمدهای نفتی ایران، شامل تحریم های مشابه خواهند شد. بانک مرکزی حکومت اسلامی، کانال اصلی ورود درآمدهای نفتی ایران است.

باراک اوباما، در بیانیه ای که هم زمان با امضای طرح یادشده صادر کرد، از این ملاحظه خود هم سخن به میان آورد که این قانون با محدود کردن روابط با دیگر کشورها، می تواند محل اختیاراتی شود که قانون اساسی آمریکا به او تفویض کرده تا مناسبات خارجی آن کشور را تنظیم کند.

با تحریم بانک مرکزی ایران توسط دولت آمریکاریال برخی شرکت های آلمانی نیز را بطه خود را با ایران قطع کردند و از سوی دیگر، روز یکشنبه ۱۱ دی - ۱ ژانویه ۲۰۱۲، دلار در بازار تهران با نزدیک به ۶۰ تومان افزایش یافت و در یک روز به ۱۶۰۵ تومان رسید. این بالاترین نرخ برابری دلار و ریال است. سایر ارزهای عمده جهانی نیز با افزایش روبرو شد و یورو به بالای دو هزار تومان رسید و ۲۰۶۰ تومان به فروش رفت. پوند بریتانیا نیز ۲۵۱۰ تومان معامله شد. در واقع ارزش برابری ریال در برابر دلار و دیگر ارزهای خارجی، روزبروز کاهش می یابد و عملاً در بازار ایران دلار حکم رانی می کند.

تحریم جدید آمریکا در حالی اجرایی می شود که تنش ها بر سر تنگه هرمز و تهدیدهای حکومت اسلامی ایران به بستن آن بالا گرفته است و مقام های آمریکایی اعلام کرده اند که چنین اقدامی را تحمل نخواهند کرد.

در همین رابطه، سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران گفته که تهران، به «هر گونه تهدیدی پاسخ مضاعف و پشیمان کننده» خواهد داد. او با این حال، اعلام کرده که ایران آماده است تا گفتگوهای خود را با شش قدرت جهانی بر سر برنامه هسته ای اش از سر بگیرد.

یک روز پس از اعلام آمادگی حکومت اسلامی ایران برای از سرگیری مذاکرات با گروه ۵+۱، سازمان انرژی اتمی ایران از آزمایش موفق میله سوخت هسته ای خبر داد.

سازمان انرژی اتمی ایران یکشنبه ۱۱ دی - ۱ ژانویه ۲۰۱۲، از «آزمایش موفق» نخستین نمونه میله سوخت هسته ای ساخت ایران خبر داد. به نقل از روابط عمومی سازمان انرژی اتمی، میله سوخت حاوی اورانیوم طبیعی که پیشتر در قلب راکتور تحقیقاتی تهران جاسازی شده بوده، با موفقیت آزمایش شده است. به گفته این سازمان، میله سوخت هسته ای «پس از گذراندن کلیه آزمایش های فیزیکی و ابعادی به منظور بررسی عملکرد در شرایط عملیاتی به داخل قلب راکتور تحقیقاتی تهران منتقل شد.»

هم چنین طی روزهای اخیر، ایتالیا و یک مشاور اقتصادی اتحادیه اروپا از هماهنگی کشورهای

اروپایی و منطقه خاورمیانه در راستای تحریم نفتی ایران خبر داده اند. مقام های حکومت اسلامی نیز در مقابل نسبت به پیامدهای تحریم نفتی ایران هشدار داده اند. بنابراین، عملکردها و مواضع و مانورهای نظامی و موشک هوا کردن های حکومت اسلامی در مقابل رقبای بین المللی اش، بسیار خطرناک و تحریک کننده است.

سران و مقامات حکومت اسلامی ایران، نگران خیزش مردمی تازه در کشور هستند. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گفت که دشمن در تلاش است با دستاویز قرار دادن انتخابات مجلس، آشوب ها و اعتراضات اجتماعی را احیا کند. سردار محمدعلی جعفری، از شهروندان خواسته است در انتخابات آینده مجلس «مشارکت حداکثری» داشته باشند. جعفری، به خبرگزاری مهر گفته است که بر اساس اخبار و اطلاعاتی که داریم دشمنان از مدت ها قبل برای ایجاد آشوب نقشه کشیده و طرح هایی را آماده کرده اند. او، می افزاید: «آن ها می خواهند با ایجاد ناآرامی ها و تنفس مصنوعی، جریان فتنه را زنده کنند و از سوی دیگر با نشان دادن و برجسته سازی تقابل معترضین با نظام، چهره مردمی نظام را در جهان اسلام مخصوصا در جبهه بیداری اسلامی مخدوش کرده و الهام بخشی انقلاب اسلامی را با مانع روبرو سازند.»

البته این اولین بار نیست که یک مقام بلندپایه حکومت اسلامی ایران، از احتمال شروع دوباره اعتراضات در آستانه برگزاری نمایش انتخابات مجلس اظهار نگرانی می کند. هفته گذشته نیز غلامحسین محسنی اژه ای دادستان کل کشور، با استناد به اظهارات سیستم های اطلاعاتی و امنیتی ایران گفت: «براساس قرائن و شواهد، دشمنان ما امروز بسیار تلاش دارند تا در این فضا که ما در آستانه انتخابات هستیم اگر بتوانند به زعم باطل خودشان فضای کشور را ملتهب کنند.»

آیت الله خامنه ای رهبر حکومت اسلامی ایران نیز با اشاره به در پیش بودن انتخابات مجلس، گفته بود: «انتخابات یک پشتوانه برای امنیت ملی است. نباید اجازه داد به چالشی برای امنیت ملی تبدیل شود.»

در چنین شرایطی، اکثریت مردم ایران نگران آینده خود و جامعه شان هستند. در حقیقت اکنون جامعه ایران در سال ۲۰۱۲، در مرکز تلاطمات جهانی قرار دارد و آبستن حوادث مختلفی است. بر این اساس، هر فعال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایرانی از خود و جامعه سوال می کند چه باید کرد؟ تا ایران نیز دچار سرنوشت افغانستان، عراق، لیبی و یا یوگسلاوی سابق نشود؟ چه باید کرد تا مردم مستقیما سرنوشت جامعه شان را به دست خویش رقم بزنند؟ چه باید کرد این وضعیت موجود کمرشکن و توازن قوای موجود، به نفع اکثریت مردم و آزادی های فردی و اجتماعی و رفاه و عدالت تغییر داد؟!

پی شک همه این تحولات و وقایع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، همواره ما را به این فکر می اندازند که چه باید کرد تا وضع موجود در ایران، به نفع اکثریت مردم ایران تغییر یابد؟ بهره گیری از تحارب ارزنده تاریخی چه باید کردهای چهره های شناخته شده جهانی، بسیار مفید و راه گشاست. برای «چه باید کرد؟» رومن رولان، «چه باید کرد؟»، تولستوی، «چه باید کرد؟»، «چه باید کرد؟» امیل زولا.

اندیشمند بزرگ فرانسوی «رومن رولان»، در نامه مشهوری با عنوان «چه باید کرد؟» به یکی از دوستان جوانش، درباره این موضوع که «چه باید کرد تا بر روزمرگی ها غلبه کنیم و اسیر آن ها نشویم؟»، در پایان نامه، رهنمودهای زیر را به دوستش توصیه می کند: «برای این که بر روزمرگی ها فایق آبی و ذهنت را و شور و شوق دانایی و آگاهی را در خود تقویت کنی، این چند کار را حتما بکن:

روزی یک ساعت را به اندیشه بگذران. اندیشه همراه با یک فعالیت مشخص فکری، مثلا کتاب به خوان و درباره آن چه خواندی ببندیش، موسیقی گوش کن و درباره آن چه شنیدی ببندیش، به تماشای تئاتر، فیلم و نمایشگاه نقاشی برو و در باره آن چه دیده ای و شنیده ای ببندیش، روزنامه به خوان و درباره خوانده هایت ببندیش، و در کل درباره همه دیده ها و شنیده ها و خوانده های روزانه - ات ببندیش.

هر هفته در یک فعالیت اجتماعی - فرهنگی اجتماعی بیرون از خانه شرکت کن، مثل رفتن به موزه، گالری نقاشی، تئاتر و سینما، کتاب خانه، مراکز فرهنگی و هنری، و سایر کانون های اجتماعی - فرهنگی، و در آن جا به فعالیتی اجتماعی بپرداز. سپس از دریافت های خود و تجربه هایت از این مراکز و فعالیت هایت با دیگران، با دوستان و آشنایان یا بیگانگان، با هم فکرتان و غیر هم فکرتان و حتی مخالفان فکری خود، با هر که حاضر است به سخنانت گوش کند، صحبت کن و نهراس که با تو مخالفت کنند و مفهوم حرف هایت را درک نکنند، و نهراس از این که مسخره ات کنند و به تو و حرف - هایت با نیش خندی استهزاآمیز بخندند، و از هیچ چیز دیگری نهراس.

سه ماه تمام این برنامه را با پیگیری انجام بده، آن گاه پس از سه ماه، خواهی دید که انسانی کم و بیش دیگر شده ای و سرشار از عطش و شور و اشتیاق برای اندیشیدن، آگاهی، کنجکاوی، ادراک و تجزیه و تحلیل مسائل، و بس فراتر از فرودست روزمرگی های پوچ و کسالت بار...»

«چه باید کرد؟» تولستوی در سال ۱۸۸۶، در زمانی که نویسنده پنجاه و هشت ساله بود به نگارش درآمد و پاسخی بود به دومین بحران روحی تولستوی در آن دوران. در آن سال ها، تولستوی، دچار

تشویش های دینی و تردیدهای اعتقادی و مذهبی شدیدی شده بود و «چه باید کرد؟» طرح این تشویش ها و کوشش برای پیدا کردن راه حلی برای این مسائل بود:  
«در این اقیانوس سپه روزی بشری که روح را فاسد و روان و فکر را فلج می کند و نیروهای فکری را هرز می برد و وجود آدمی را پر از احساس پوچی و کسالت می سازد، چه باید کرد؟»  
پاسخ نهایی تولستوی چنین بود: دروغ نگفتن - از حقیقت نهراسیدن - خودپسندی را از بیخ و بن برکندن - زحمت کش بودن و در عرق ریزان های جسم و روح و فکر به پیشرفت و تعالی رسیدن، و به سوی والایی اوج گرفتن، تنها راه نجات روح و روان از اقیانوس سیاه کاری ها و پلیدی هاست.  
امیل زولا، نویسنده ناتورالیست فرانسوی نیز مقاله ای با عنوان «چه باید کرد؟» دارد که آن را در سال ۱۸۶۵ در روزنامه ای در پاریس منتشر نموده است. این نوشته جستجویی است برای برون رفت از بحران ادبی زمانه زولا، که ناشی بود از تسلط رمانتیسم بی جان و بی رمق که بر ادبیات نیمه مختصر نیمه نخست قرن نوزده در فرانسه حاکم بوده است. زولا، راه برون رفت از این بحران را در مقاله مشهورش با عنوان «چه باید کرد؟» جستجو می کند و راه رهایی را در توسل به مکتب ناتورالیسم، که مکتب رزمنده و پرشور دوران او بود، می یابد و چون و چندان آن را در مقاله خود توضیح می دهد.

به این ترتیب، چه باید کردها، در نزد متفکران و اندیشمندان متفاوت و متغیر است اما یک نقطه مشترک آن ها، تلاش و مبارزه برای تغییر وضع موجود در جهت بهتر شدن محیط زیست و زندگی انسان است. این که این تغییر از چه راهی امکان پذیر است باز هم متحدالقول اند که باید برای تغییر به فعالیت و کار و کوشش و مبارزه جمعی روی آورد. چرا که با فردیت نمی توان جواب همه مشکلاتی که در جامعه وجود دارد را داد.

چه باید کرد کارگران، بی کاران، جوانان، محرومان و همه ستم دیدگان جوامع مختلف، رشد و گسترش جنبش های ضدسرمایه داری «وال استریت را اشغال کنید» و «بهار عربی» و زنجیره ای از انقلابات سیاسی - اجتماعی است. تنها با پیروزی این انقلابات است که بشر از وضعیت موجود کمکرشکن رها می شود و به معنای واقعی به آزادی و رفاه و عدالت دست پیدا می کند.

چه باید کرد در جامعه ما تا حدودی روشن است و آن هم این است که حکومت اسلامی باید با قدرت و مبارزه آگاهانه مردمی از حاکمیت ساقط شود تا مردم بتوانند در فضایی آزاد و برابر، حکومت دل خواه خودشان را انتخاب کنند. در حاکمیت جمهوری اسلامی، تاکنون هیچ شهروندی به ویژه فعالین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مستقل از دولت، امنیت شغلی، جانی و مالی نداشته و بعد از این نیز نخواهند داشت. بنابراین، حکومت اسلامی، بزرگ ترین سد و مانع در راه پیشرفت بشر و شکوفایی خلاقیت های شهروندان ایرانی، به ویژه نیروی جوان و نوآوری های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آزادی خواهانه، برابری طلبانه و عدالت جویانه است.

از نقطه نظر اقتصادی، چشم انداز وضعیت اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۲، با توجه به تشدید تحریم ها که در سال ۲۰۱۱ نیز اقتصاد ایران با آن درگیر بود، بحران تر خواهد شد. با توجه به اقتصاد بیمار و بحرانی ایران و گسترش و تعمیق گرانی، فقر و بی کاری، اوج گیری اعتراضات و اعتصابات نیز اجتناب ناپذیر است.

همان طور که برتولت برشت، در اشعار خود تاکید کرده است دیر یا زود صدای ستم دیدگان در مقابل ستم گران طنین انداز خواهد شد. اشعار برشت، انقلاب را نتیجه ستم و استثمار و نابرابری جامعه طبقاتی می داند و نقطه حرکت رهنمودهای برشت، روی آوری ستم دیدگان و استثمارشدگان به مبارزه انقلابی بر علیه ستم گران و استثمارگران است:

اگر زنده ای مگو: هرگز!  
هیچ یقینی را یقین نیست  
از پی کلام ست مگران  
صدای ستم دیدگان خواهد آمد  
چه کسی می تواند بگوید هرگز؟  
دوام استثمار از کیست؟  
از ما  
ختم استثمار از کیست؟  
باز هم از ما  
اگر از پا افتاده ای، برخیز  
اگر شکست خورده ای، باز بجنگ  
چگونه می توان بازداشت  
آن کس را که جایگاه خویش شناخته  
بدان که شکست خوردگان امروز  
فاتحان فردایند  
و «هرگز» به «هم امروز» تبدیل می شود.

به امید این که سال ۲۰۱۲، سال بهتری برای همه شهروندان آزاده جهان، به ویژه سال سرنگونی

**کلیت حکومت اسلامی با مبارزه و قدرت مردمی باشد، با آمادگی و آگاهی بیش تری به استقبال تحولات این سال بشتاییم.**

**دوشنبه دوازدهم دی ۱۳۹۰ - دوم ژانویه ۲۰۱۲**